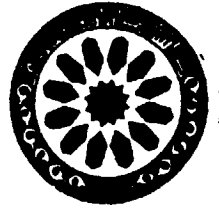


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)



شماره ثبت ۱۶۳  
شماره ۴

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد الهیات (گرایش فلسفه و کلام)

۲۶ / ۱۰ / ۱۳۸۰

# تحلیل هدف نهایی بعثت انبیاء و رابطه آن با دنیا و آخرت

کتابخانه مرکزی  
دانشگاه امام صادق (ع)

جواد خادمزاده مقدم

015845

استاد راهنما:

دکتر رضا محمدزاده

پاییز ۱۳۷۹

۳۱۹۹۳



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد الهیات (گرایش فلسفه و کلام)

## تحلیل هدف نهایی بعثت انبیاء و رابطه آن با دنیا و آخرت

جواد خادم زاده مقدم

استاد راهنما:

دکتر رضا محمدزاده

استاد مشاور:

دکتر حسین هوشنگی

پاییز ۱۳۷۹

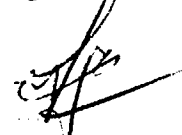
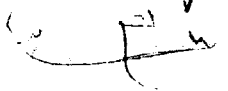


کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری،  
ترجمه، اقتباس و... از این پایان نامه کارشناسی ارشد  
برای دانشگاه امام صادق (ع) محفوظ است. نقل  
مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای ... / ... / ... : ۷۲۳۰۳۳۵۱۶

تحت عنوان ... / ... / ...

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیوسته پیشنهاد می کنند.

محل امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
		دکتر ...	(۱) استاد راهنما:
		دکتر ...	(۲) استاد مشاور:
		...	(۳) نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده:
		...	(۴) اساتید ناظر:
		...	(۱)
		...	(۲)

- چکیده:

یکی از سوالات اصلی مطرح برای انسانها آن است که آیا سعادت و فلاحی که پیامبران ادعای تأمین آنرا برای آنان نموده‌اند در دنیا تأمین می‌شود یا در آخرت یا در هر دو؟ قلمرو این سعادت چیست؟ و تا کجاست؟ در پاسخ این پرسشها دیدگاه دو اندیشمند معاصر ایران مرحوم مهندس مهدی بازرگان و مرحوم دکتر علی شریعتی را جستجو نموده‌ایم. پاسخ مرحوم بازرگان به این پرسش در طی دو دوره فکری وی مختلف است. او در دوره اول معتقد است که این سعادت و فلاح شامل هر دو عرصه دنیا و آخرت می‌گردد اما در دوره دوم بر این باور است که این سعادت در اصل مختص آخرت است تأمین سعادت دنیوی بر عهده خود انسانهاست و تأمین شدن برخی جنبه‌های سعادت دنیوی حاصل از پیاده نمودن دستورات دینی نیز جنبه فرعی و بالعرض دارد. اما پاسخ مرحوم شریعتی آن است که هدف بعثت، تأمین سعادت دنیوی بشر از طریق رفع ظلم و ستم و برقراری عدالت در جامعه با تکیه بر ایدئولوژی دینی است و سعادت اخروی پرتوی از همین سعادت دنیوی می‌باشد. نقد ما بر این دو پاسخ عمدتاً روش شناختی با تأکید بر روش برون دینی و تقدم فهم فلسفی بر فهم دینی می‌باشد. آخرت را نمی‌توان با روش فلسفی ثابت نمود پس تفسیر فلسفی ما از دین لزوماً دنیوی خواهد بود و وجود آخرت تنها بعنوان یک واقعیت و نه حقیقت، مطرح می‌شود که می‌توان با رویکردی پراگماتیستی سودمندترین تفسیر را از جایگاه آن در آموزه‌های دینی ارائه نمود. سودمندترین تفسیر آن است که دین برای اصلاح روابط اخلاقی میان انسانها آمده است و این اصلاح، محقق نمی‌شود مگر آنکه سعادت اخروی برای متدینین با جدیت تمام مطرح شود.

- کلید واژگان: دین، بعثت، دنیا، آخرت، سعادت، ایدئولوژی، شریعتی، بازرگان

بالموجز:

احدى الاسئلة الاصلية التى تطرح للانسان هى انّ السعادة والفلاح الذى يدعى الانبياء هل هو للدنيا ام  
للاخرة؟ ام كلاهما؟ ماهى حدود هذه السعادة؟ فى جواب هذه الاسئلة بحثنا عن آراء المتفكرين  
المعاصرين الايرانيين المرحوم المهندس مهدي بازركان والمرحوم الدكتور على شريعتى. جواب  
المرحوم بازركان لهذا السؤال يختلف باختلاف مرحلتين من حياته الفكرية. اعتقاده فى مرحلة الاولى بانّ  
هذه السعادة والفلاح يشمل كلا المجالين الدنيا والاخرة، لكن فى المرحلة الثانية يعتقد انّ هذه السعادة فى  
الاصل تختص بالاخرة. و على الانسان ان يتحقق سعاده الدنيوية بنفسه. و لحصول قسم من ابعاد  
السعادة الدنيوية التى تنشأ من اجراء التعاليم الدينية مقام عرضى ولا الاصلى. اما المرحوم شريعتى جوابه  
انّ غاية البعثة هى تحصيل السعادة الدنيوية من طريق رفع الظلم و الجور و اقامة العدل فى المجتمع واما  
السعادة الاخرية لا يتحقق الا فى ظل هذه السعادة الدنيوية. و نقدنا على هذين الجوابين يبتنى على  
الاصول المتودولوجية مع التأكيد على الطريق الخارج الدينى و تقدم الفهم الفلسفى على الفهم الدينى.  
لا يمكن اثبات الاخرة بطريق فلسفى فلا بدّ تفسيرنا من الدين دنيوى بالضبط. و يطرح هنا وجود الاخرة  
كواقعية ولا الحقيقة التى يمكن اراءة انفع التفاسير من مرتبته فى اركان الدين من منظرة براجماتيكي. انفع  
التفاسير هو ان الدين لغاية اصلاح علاقة الاخلاقية بين الناس و هذا لا يتحقق الا مع توجه تام المتدينين  
الى السعادة الاخرية.

الكلمات الرئيسية: الدين، البعثة، الدنيا، الاخرة، السعادة، الايدئولوجى، شريعتى، بازركان

# فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	- مقدمه
۳	فصل اول: کلیات
۴	۱-۱ تعریف مسأله
۷	۱-۲ تاریخچه بحث:
۸	۱-۲-۱ نظریه براهمه
۹	۱-۲-۲ نظریه اشاعره
۱۰	۱-۲-۳ نظریه معتزله و حکما
۱۵	۱-۳ روشها و رویکردها:
۱۵	۱-۳-۱ رویکرد برون دینی
۱۶	۱-۳-۱-۱ دلایل معتقدین به رویکرد برون دینی
۱۸	۱-۳-۲ رویکرد درون دینی
۱۹	۱-۳-۱-۲ دلایل معتقدین به رویکرد درون دینی
۲۱	۱-۴ ایدئولوژی و جایگاه آن:
۲۱	۱-۴-۱ معانی لغوی
۲۲	۱-۴-۲ معانی اصطلاحی و ارتباط آن با بحث
۲۵	۱-۴-۳ ایدئولوژی و سیاست
۲۷	فصل دوم: بررسی دیدگاه بازرگان
۲۸	- مقدمه



## عنوان

## صفحه

۲۹	..... ۲-۱ تاریخ فکری بازرگان
۲۹	..... ۲-۱-۱ دوره اول
۲۹	..... ۲-۱-۱-۱ دفاع علمی از دین
۳۲	..... ۱-۲ نگرش پراگماتیستی به دین
۳۴	..... ۲-۱-۱-۳ کارکرد دین در جوامع
۳۶	..... ۲-۱-۱-۴ دین و رقبای جدید آن
۳۷	..... ۲-۱-۱-۵ ضرورت دین
۳۹	..... ۲-۱-۱-۶ دین و ایدئولوژی
۴۲	..... - جمع بندی بحث
۴۳	..... ۲-۱-۲ دوره دوم
۴۳	..... ۲-۱-۲-۱ ریشه های تحول فکری
۴۴	..... ۲-۱-۲-۲ روش و رویکرد
۴۴	..... ۲-۱-۲-۳ طرح مسأله
۴۵	..... ۲-۱-۲-۴ منشأ طرز تفکر «دین برای دنیا»
۴۵	..... ۲-۱-۲-۵ پاسخ به مسأله
۴۹	..... ۲-۱-۲-۶ مسأله حکومت و اداره امت یا ادغام دین و سیاست
۵۱	..... ۲-۱-۲-۷ دلایل بازرگان در نفی «دین برای دنیا» یا «دین و دنیا با هم»:
۵۱	..... ۲-۱-۲-۷-۱ تبدیل توحید به شرک
۵۱	..... ۲-۱-۲-۷-۲ انصراف از دین و سلب امید و ایمان مردم نسبت به دین
۵۲	..... ۲-۱-۲-۷-۳ زیان تصرف دین و دولت به دست رهبران شریعت

۴-۷-۲-۱-۲ اسلامی که با پشتوانه قدرت و روش اکراه پیش برود

بیشتر کالای شیطان است تا دین خدا.....	۵۲
«دین برای دنیا» یا «ترک دنیا به خاطر دین» دو حالت افراط و تفریط در دین هستند.....	۵۲
دین اخروی لازمه بقای دین است.....	۵۳
شعار «دین برای دنیا» چیزی جز سستی و تنبلی برای متدینین بار نمی آورد.....	۵۳
- جمع بندی بحث.....	۵۳
فصل سوم: بررسی دیدگاه شریعتی.....	۵۵
- مقدمه.....	۵۶
۱-۳ ریشه های فکری شریعتی.....	۵۶
۲-۳ شریعتی و ابوذر.....	۵۷
۳-۳ روش و رویکرد.....	۵۸
۴-۳ سعادت و فلاح.....	۶۰
۵-۳ دین و ایدئولوژی.....	۶۴
۶-۳ دین و سیاست.....	۶۹
- جمع بندی بحث.....	۷۰
- نتیجه گیری.....	۷۰
- فهرست منابع و مأخذ.....	۷۹
- فهرست منابع فارسی و عربی.....	۷۹
- فهرست منابع انگلیسی.....	۸۳

## مقدمه:

دین و جامعه دینی از واقعیت‌های انکار ناپذیر تاریخ بشریت محسوب می‌شوند که همواره تحلیل، تفسیر و بررسی پیرامون آنها ذهن خردورزان و دانشمندان را به خود مشغول داشته است. هر یک از متدینان بواسطه برخورداری از نیروی باورهای جزمی می‌توانند تأثیر شگرفی در محیط پیرامون خود برجای گذارند و از همین رو جوامع دینی که متشکل از افراد دینی می‌باشند در طول تاریخ، جوامعی نیرومند و تأثیرگذار بوده‌اند. نیرومندی جامعه دینی خطرناک نیز می‌تواند باشد چرا که باورهای جزمی غلط، لاجرم وقتی با قدرت توأم می‌شوند، می‌توانند منشأ ویرانی گردند و چون راه یافتن باورهای غلط در تفکر دینی به هر علتی، براحتی تحقق می‌پذیرد از این رو مصلحین هر جامعه بخصوص جوامع دینی باید همواره کوشش خود را در جهت پیرایش مستمر تفکر دینی از زوائد و زنگارها سوق دهند و در این راه لحظه‌ای از پای ننشینند. بحث از هدف بعثت انبیاء و انتظار بشر از دین، از جمله موضوعاتی است که در تأثیرگذاری بر تفکر دینی سهمی بسیار دارد و هرگونه انحرافی در اینگونه مباحث، می‌تواند خسارات جبران ناپذیری را در جوامع دینی و حتی جوامع غیر دینی از خود بر جای گذارد. هدف ما در این مجموعه، آن بوده تا با غور در این مسأله و تجزیه و تحلیل جوانب آن و جستجو در آراء اندیشمندان در آن موضوع، اندکی خود را به حقیقت امر نزدیک نماییم و گامی هرچند کوچک در جهت اصلاح گفتمان حاکم بر جامعه دینی خود برداریم. در میان اندیشمندانی که در این وادی گام نهاده‌اند و سهمی از تلاش‌های فکری خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند مرحوم مهندس بازرگان و مرحوم دکتر علی شریعتی را برگزیدیم چرا که از یک سو این دو بزرگوار از خداوندان اندیشه اصلاح‌گری دینی محسوب می‌شوند و به جرأت می‌توان گفت تمامی عمر علمی خود را صرف پیرایش پیرایه‌ها و زوائد تفکر دینی نموده‌اند و از سوی دیگر در موضوع مورد بحث ما اینان دو رأی کاملاً مخالف با یکدیگر برگزیده‌اند و تحقیق و جستجوی ما در اعماق و لایه‌های زیرین این دو اندیشه مخالف می‌تواند خواننده را تا حدی به حقیقت موضوع و سازوکارهای ایجاد تحول در اندیشه دینی آشنا سازد.

در نگارش این اوراق اینجانب خود را بیش از هر کس وامدار اندیشمندان و متفکرین بزرگی می‌دانم که با

نهیّب‌های هیوم‌وار خود جزم اندیشان را از خواب غفلت بیدار نموده با طرح موضوعاتی چنین حیاتی و سرنوشت‌ساز ره‌پویان اندیشه دینی را در مسیر حقیقی خود هدایت می‌نمایند. در پایان بر خود فرض می‌دانم که از تلاش‌های اساتید محترم آقایان دکتر محمدزاده و دکتر هوشنگی و نیز استاد محترم جناب آقای دکتر علیزاده که در طول نگارش این مجموعه از هرگونه کمک فکری به اینجانب دریغ نورزیده‌اند و موجبات تسهیل روند نگارش را فراهم نموده‌اند کمال تشکر و قدردانی را بنمایم.

جواد خادم زاده - پائیز ۱۳۷۹

# فصل اول

« کلیات »

## تعریف مسأله

جهان و هرآنچه در آن است پیوسته موجب اعجاب انسان بوده است. انسان از روزی که چشم به این دنیا می‌گشاید و موجودات پیرامون خود را تا حدی شناسایی می‌کند و یا آنکه تلاش می‌کند که آنها را بشناسد همواره دچار شگفتی و تعجب می‌شود. از یک سو آسمان به فراخی تمام جهان، چنان بر سر انسان گسترده شده است و چنان پیچیده، پهناور و توبرتو است که در اولین مواجهه سه پرسش کوبنده و سهمگین برای وی مطرح می‌کند: چیستی آسمان؟ چگونگی آسمان؟ و از همه کوبنده‌تر چرایی آسمان؟ پرسش از چیستی، چگونگی و چرایی برای انسان تنها به آسمان ختم نمی‌شود از سوی دیگر در زیرپا و پیرامون انسان نیز تک تک موجودات سبب طرح این پرسش در ذهن و ضمیر آدمیان می‌گردند. دریاها، کوهها، حیوانات، جنگلها، رودخانه‌ها و... بی نهایت موجودات پیرامون انسان همه و همه این سه پرسش را چنان با تمامی قوای وجودی خود بر عرصه ذهن و ضمیر انسان تحمیل می‌کنند و آنچنان در ارائه پاسخ صحیح و نهایی به این پرسشها بخل می‌ورزند که آدمی را دچار حیرانی و شگفتی مداوم می‌نمایند. اما با اندکی تأمل در تاریخ تفکر انسانی به این نتیجه خواهیم رسید که در طول اعصار و در میان تمامی موجودات، همواره وجود خود آدمی، بیشترین و پیچیده‌ترین پرسش و به تبع، بیشترین شگفتی و حیرانی را به همراه داشته است.

« این عالم چیست؟ چه قوانینی بر آن حاکم است؟ غایت این جهان چیست؟ و از طرف دیگر ما که هستیم؟ چه ارتباطی با جهان پیرامون خود داریم؟ و از همه مهمتر غایت موجودیت ما چیست؟ » شاید بتوان گفت که این شش سؤال، اصلی‌ترین و کلی‌ترین پرسشهای بشر در طول تاریخ بوده‌اند. اما در میان این سئوالهای ششگانه، دو پرسش غایت عالم و غایت انسان بنظر از سایرین کلی‌تر، مهم‌تر و پیچیده‌تر می‌باشند. انسانها صرفنظر از چیستی عالم و چگونگی قوانین حاکم بر آن در درجه اول می‌خواهند بدانند که این دنیا برای چه و با چه هدفی بوجود آمده است و آیا صرفنظر از اینکه خالق داشته باشد یا نداشته باشد هدفی دارد یا ندارد؟ اگر هدفی دارد آن هدف و حکمت چیست؟ و اگر هدفی ندارد چرا ندارد و چه تبیین عقلانی می‌توان از این هدف مندی یا بی هدفی ارائه نمود؟ در میان تمامی موجودات

عالم این خود آدمی است که برای خودش مهمترین موجود محسوب می شود و لذا مهمترین پرسشهای سه گانه (چیستی، چگونگی و چرایی) در مورد او اهمیت بیشتری پیدا می کنند و در میان آنها چرایی موجودیت انسان از همه مهمتر می نماید. ما انسانها صرفنظر از اینکه منشأ وجودی داشته باشیم و صرفنظر از اینکه چه قوانینی بر موجودیت ما حکمفرمایی می کنند می خواهیم بدانیم که در این دنیا چه می کنیم و بدنبال چه هستیم؟ هدف ما از زندگی و زیستن چیست؟ چراست؟ و چگونه و چرا باید به آن رسید؟ و اگر هدفی عینی برای زندگی متصور نیست بی هدفی و در عین حال زندگی نمودن چه توجیه عقلانی دارد؟ آدمی در مسیر جستجو برای پاسخ گویی بدین پرسشها ناگهان با برخی از افراد نوع بشر برخورد می نماید که مدعی پاسخ گویی به این سئوالات بنیادین انسانها می باشند. آنها بر این باورند که پاسخهای خود را در قالب پیامی از سوی موجودی ماوراء این دنیا دریافت کرده اند و از سوی او مأموریت یافته اند که غایت آدم و عالم را به انسانها آموزش دهند و آنها را از طریق ارائه راههای عملی و بایدها و نبایدهای فردی و اجتماعی بسوی آن هدف و غایت هدایت نمایند. خلاصه پیام این عده که خود را نبی یا رسول می نامیده اند این بوده است که اولاً این جهان را خالق ماوراء این طبیعت دنیوی می باشد و ثانیاً غیر از این دنیای محسوس دنیای نا محسوس دیگری وجود دارد که هر انسانی پس از مرگ آن را احساس خواهد نمود و ثالثاً رابطه ای عمیق میان آن دنیا و این دنیا وجود دارد بطوری که اعمال انسانها در این دنیای محسوس بسته به اطاعت یا عدم اطاعت از دستور پیامبران کیفیت مطلوب یا نامطلوب آن دنیای نا محسوس را رقم می زند. انبیاء بر این نکته اتفاق داشته اند که در تعیین غایت آدم و عالم، جهان نامحسوس اخروی را هم لزوماً باید لحاظ نمود. آنان سعادت و فلاح بشر را در سطحی، غایت بعثت خود و در سطحی دیگر، غایت آدم و عالم معرفی نموده اند و بر این نکته نیز تأکید کرده اند که تحقق این غایت برای انسانها جز از طریق گردن نهادن به پیام خالق این عالم که آنان حاملش می باشند میسر نمی باشد. با فرض مقدمات فوق شاید اولین پرسشی که به ذهن انسان خطور می کند آن باشد که ماهیت اصلی این سعادت و فلاح چیست و از چه جنسی می باشد؟ آیا سعادت و فلاح از جنس بهره مندی مادی و رسیدن به حداکثر لذت می باشد یا آنکه مقصود از سعادت، نوعی تکامل روحی و